روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۳ • ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ • ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۹۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۳۴ • طلوع آفتاب ۷:۰۴

هتل ایران بندرانزلی، از هتل‌های تاریخی ایران است که در شامگاه پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۲ دچار حریق شد پس از گذشت یک سال هنوز بازسازی نشده و در بلاتکلیفی است.
عکس: یاسین صفری، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

خارجی‌خوانی

سوریه به روایت اخبار

سرعت اتفاقات در سوریه آن‌قدر زیاد بود که حتی پیش‌بینی پنج‌روزه سی‌ان‌ان و دیگر رسانه‌های جهان برای تصرف و سقوط «بشار اسد» هم اشتباه از کار درآمد. حالا سوریه در دست «تحریر شام» است، پرچمش به قبل از سال ۱۹۶۱ و آغاز حاکمیت خاندان اسد بازگشته است. بخشی از زندانی‌ها آزاد شده‌اند، مردم در کاخ و پناهگاه اسد وسایل را برمی‌دارند و جولانی در محاصره صدها فرد مسلح و گارد شخصی وارد مسجدی شد، نماز مغرب را به جا آورد و سخنرانی کرد. این مسجد مدت‌ها مکانی بود که بشار و پدرش حافظ اسد در آن نماز عید را برگزار می‌کردند؛ مکانی برای اقدامات نمادین حاکمان پایتخت. حالا همان کسی بر سوریه حاکم شده است که روزگاری آمریکا برای سرش (جولانی) جایزه گذاشته بود و حالا او را آزادی‌بخش نشان می‌دهند. اسرائیل هم از فرصت استفاده کرده و مشغول بمباران مهمات و زاغه‌های سوریه است و قرار است بخش‌هایی از سوریه را همچون بلندی‌های جولان تصرف کند.

غارت

در این میان خبری از «بشار اسد» در روز و ساعات اولیه نبود. هواپیمای او از رادار خارج شد و البته کسی هم برای جست‌وجو اقدامی نکرد. برخی اعلام کردند در روسیه است و پناهندگی گرفته و برخی دیگر هم مطمئن بودند همراه همسرش در سقوط هواپیما کشته شده است، اما درنهایت رسانه‌های روسیه اعلام کردند که پوتین به اسد و خانواده‌اش پناه داده است. درحال‌حاضر از او فقط آلبوم خانوادگی‌اش در دست فاتحان مانده است. تصاویری از برداشتن ظروف کاخ و کفش‌ها و لباس‌های دخترش توسط مردم منتشر شد. کارت ملی همسر اسد نیز در دست مردم بود. کاخ و پناهگاه زیرزمینی و بیش از ۵۰ ماشین پیشرفته در کاخ اکنون در دست مردم است.

زندان‌ها

آزادی زندانیانی که بیش از ۴۰ سال در سیاهچاله‌ها زندانی بودند، از اتفاقات خوشایند این رخداد بود. حالا اعلام شده است که به زنان زندانی بارها تجاوز می‌شده است. همچنین اعلام شده است بخشی از زندانیان نتوانستند آزاد شوند با اینکه تصاویرشان در دوربین‌های مداربسته زندان صیدنایا در دمشق مشاهده می‌شود ولی نحوه دسترسی به آنان بعد از فرار زندان‌بانان وجود ندارد. ساختمان‌ها با کد محافظت می‌شوند و محل دروازه‌ها ناشناخته است.

سرگردانی زائران

سفیر ایران هم در سوریه درباره چگونگی این سقوط اعلام کرد که دولت سوریه تصمیم گرفت مقاومت نکند و ایران با اطلاع از این روند تمام اعضای سفارت را ظرف چند ساعت خارج کرد. همچنین تصاویری از حرم حضرت زینب(س) و آتشی که در اطراف آن دیده می‌شد منتشر شد، بعد تصاویری از غارت حرم و بعدتر دوباره خبر آمد هیچ تعرضی به حرم نشده است. یک مسئول در شبکه دو درباره وضعیت حرم و آتشی که از نزدیکی آن به پا خاسته بود، گفت: «عده‌ای برای غارت حرم‌ها هجوم آوردند. تأمین امنیت حرم حضرت زینب(س) با حزب‌الله بود». هرچند به نظر می‌رسد تمامی عوامل اجرائی ایرانی و خادمان از سوریه سالم برگشتند ولی خبرگزاری فارس از تورهای زیارتی که بدون توجه به سوریه رفتند و آنجا سرگردان هستند، خبر داده‌اند.

بدهی

یکی دو نفر از کارشناسان در صداوسیما گفته‌اند ترکیه، ایران را گول زد و رویترز هم اعلام کرد از شش ماه پیش نقشه حذف اسد در دستور کار بود. فلاحت‌پیشه و پارسایی دو نماینده پیشین مجلس درباره بدهی‌های اسد و سوریه به ایران سخن گفتند. پارسایی پرسیده است: «تا زمانی که مجلس بودم بدهی سوریه و بشار اسد به ایران ۳۰ میلیارد دلار بود که برخلاف اصل هشتادم قانون اساسی به تصویب مجلس نرسیده بود. تکلیف این مبلغ کلان چیست؟».

بازگشت به مردم؛

مسیر رسیدن به مشروعیت پایدار

قادرباستانی‌تبریزی

یکشنبه صبح، هوا آلوده و مترو شلوغ بود، اما گویی سکوتی بر فضا سنگینی می‌کرد. همه سر در گوشی، خیره مانده بودند. مردم مبهوت خبر سقوط دمشق، خبرها را دنبال می‌کردند. پیرمردی مفلوک، آهسته در واگن قدم می‌زد و با صدای لرزان و نگاه غم‌زده، دستش را به سوی مردم دراز می‌کرد تا کمک کنند، اما کسی توجهی نداشت. همه غرق در اخبار بودند. پیرمرد ایستاد. نگاهش از چهره‌های سرد و بی‌تفاوت عبور کرد. نفس عمیقی کشید و زمزمه‌ای کرد که کم‌کم به صدایی بلند بدل شد: «کجا رفتی، بشار اسد»، «کجا رفتی با اون کت‌وشلوار خوشگلت؟»، «کجا رفتی، بشار اسد؟»، «مگه نمی‌دونستی که ظلم پایدار نمی‌مونه؟». صدا در واگن پیچید. نگاه‌ها از گوشی‌ها بلند شد و به سوی او چرخید. چند نفر به او زل زدند؛ یکی با تعجب، دیگری با لبخندی تلخ. جوانی در گوشه‌ای پوزخندی زد و دوباره سرش را به گوشی‌اش فروبرد، اما پیرمرد همچنان می‌خواند. صدایش حالا پر از خشم و اندوه بود. مترو به ایستگاه رسید و پیرمرد با گام‌هایی سنگین، به سوی در رفت و در شلوغی ایستگاه ناپدید شد.

سقوط بشار اسد، فراتر از یک رخداد سیاسی یا نظامی، پیامد سال‌ها غفلت از مطالبات مردم و نشانه‌ای آشکار از ضعف در بنیان‌های مشروعیت یک حکومت است. این اتفاق، نه‌تنها برای سوریه، بلکه برای همه حکومت‌هایی که در مقابله با تحولات اجتماعی و سیاسی به قدرت سخت متکی هستند، درسی تاریخی و هشداری جدی است. سرمایه اصلی هر نظام سیاسی، مردم آن است. اگر این سرمایه از دست برود، دیگر نه قدرت نظامی و نه حمایت‌های خارجی قادر به جبران این کاستی نخواهند بود؛ بنابراین تنها راه پایداری یک حکومت، بازگشت به مردم و تأمین رضایت و اعتماد عمومی است. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که بسیاری از حکومت‌ها با آن مواجه هستند، تعریف مشروعیت براساس حمایت گروه‌های خاص به‌جای نظر عموم مردم است. مشروعیت زمانی واقعی و پایدار است که از رضایت اکثریت جامعه نشئت گیرد. در غیر این صورت، حمایت گروه‌های کوچک و گزینشی به‌جای جامعه کلان، صرفا یک مُسکن کوتاه‌مدت است که نمی‌تواند دوامی داشته باشد.

بازگشت به مردم مستلزم پذیرش این واقعیت است که مردم تنها در قالب «هواداران گزینشی» تعریف نمی‌شوند. مردم یعنی کلیت جامعه، شامل همه گروه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، حتی آنهایی که انتقاد دارند یا دیدگاه‌های متفاوتی ارائه می‌دهند. معیار این بازگشت، توجه به خواست اکثریت از طریق ابزارهای معتبر نظرسنجی، پیمایش‌های علمی و ایجاد سازوکارهایی برای گفت‌وگوی مستقیم با جامعه است.

سقوط درآمد ناخالص داخلی سوریه از حدود هزار دلار به کمتر از ۳۰۰ دلار در سال‌های اخیر، یکی از بارزترین شواهد ناکارآمدی سیاست‌های منطقه‌ای است. این سقوط نه‌تنها برای سوریه، بلکه برای کشورهایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در این بحران‌ها دخیل بودند، پیامدهای جدی به دنبال داشته است.

تجربه ایالات متحده در افغانستان و عراق نیز نشان داد که حتی قدرت‌های بزرگ جهانی نمی‌توانند تنها از طریق نیروی نظامی و بدون حمایت واقعی مردم محلی، به اهداف خود دست یابند. بحران‌های خارجی هرچند مهم به نظر می‌رسند، نباید اولویت مسائل داخلی را کم‌رنگ کنند. یکی از مهم‌ترین خطرات پیش‌روی کشور، عادی‌شدن و تکرار وضعیت بحرانی در داخل است. کاهش حساسیت درباره مشکلات معیشتی، نابرابری اجتماعی و شکاف‌های فرهنگی، ممکن است باعث شود اهمیت این مسائل از نظر دولتمردان پنهان بماند. بااین‌حال تجربه تاریخی نشان داده است که اگر یک نظام در داخل کشور شکست بخورد، در عرصه بین‌المللی نیز بازنده خواهد بود.

اصلاح سیاست داخلی باید مقدم بر هرگونه اصلاح در سیاست خارجی یا اقتصادی باشد. ایجاد وفاق ملی، تمرکز بر بهبود معیشت مردم و پرهیز از دوقطبی‌سازی‌های بیهوده می‌تواند مسیر بازگشت اعتماد عمومی را هموار کند. یکی از اصول کلیدی حکمرانی موفق، پاسخ‌گویی به مردم است. هرچه یک دولت به جامعه خود پاسخ‌گوتر باشد، نیاز کمتری به حامی‌پروری خواهد داشت. در مقابل، کاهش پاسخ‌گویی به جامعه و اتکا به گروه‌های خاص برای حفظ قدرت، شکاف میان دولت و مردم را عمیق‌تر می‌کند. این شکاف در بلندمدت توانایی دولت را برای مدیریت بحران‌ها را تضعیف می‌کند. رخدادهای اخیر نشان می‌دهد که نظام تصمیم‌گیری در کشور به اتخاذ تصمیم‌های سخت، اما ضروری نیاز دارد. این تصمیمات شامل بازنگری در سیاست‌های منطقه‌ای، کاهش هزینه‌های غیرضروری و تمرکز بر بهبود وضعیت اقتصادی داخلی است.

اگر بتوانیم این اصلاحات را به صورت واقعی و پایدار اجرا کنیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که کشورمان از این آزمون سرنوشت‌ساز سربلند بیرون خواهد آمد و دوباره به مسیر پیشرفت و توسعه بازخواهد گشت.

نگاه

الهه وفاق

محمدآخوندپورامیری
پژوهشگر مسائل ایران

در ادبیات سیاسی گفتاری و نوشتاری پس از انتخاب جناب آقای دکتر پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهور منتخب، بیش از هر واژه دیگری، واژه «وفاق» از وضعیتی هژمونیک برخوردار شد. با توجه به بار معنایی مثبت این واژه، در فضای ذهنی جامعه و گروه‌های سیاسی داخل حاکمیت، عناوینی این‌چنین مورد استقبال بسیاری قرار گرفته است. اما فارغ از بار معنایی مثبت چنین مفاهیمی، آنچه طبیعتا مورد نظر بسیاری از اهالی نظر خواهد بود، تحقق صورت عینی «وفاق» در سپهر سیاسی ایران است.

در این میان زمانی که تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران را مطالعه می‌کنیم، عیان می‌شود که واژگانی با بار معنایی مثبت هرگز کم نبوده است. توسعه، اصلاحات، مردم‌سالاری، وحدت ملی و ده‌ها واژگان دیگر که در برهه‌های حساس تاریخی توسط نخبگان سیاسی به عنوان مانیفست و اراده دولت و حاکمیت مستقر برای برون‌رفت از بحران روز و پاسخی درخور اعتنا به نیاز و خواست جامعه مطرح شده است اما نکته حائز اهمیت دراین‌باره این است که بسیاری از نخبگان سیاسی به مختصات و لوازم شکل‌گیری امر سیاسی آن‌گونه که باید توجه لازم را مبذول نداشته و احساس می‌کنند که تنها به‌کارگیری واژگان، ضرورت اجرای بهینه آن را فراهم خواهد کرد.

به صورت خاص آنچه درباره زمینه عینی تحقق «وفاق» در دولت آقای پزشکیان می‌توان اذعان کرد، طرح چند پرسش کلیدی است. آیا نخبگان و دولتمردان در فضای ذهنی به مختصات، ویژگی‌ها، لوازم و چگونگی تحقق وفاق اندیشیده‌اند؟ چنانچه این‌گونه است، آیا کاربست عملی شکل‌گیری وفاق را می‌دانند؟ فراتر از این دو سؤال که به نقش عاملیت‌ها می‌پردازد، به نقش ساختارها نیز باید پرداخت. آیا ساختارهای مختلف، حاضر به از سر برداشتن موانع شکل‌گیری وفاق و ایجاد اتحاد در هرم و بدنه قدرت هستند؟ این سؤالات و ده‌ها سؤال دیگر درباره شکل‌گیری وفاق از اهمیت بسیاری برخوردار است.

اما آنگاه که به ساحت نظری علم سیاست رجوع می‌کنیم، درخواهیم یافت که واژگانی همچون وفاق، توسعه، اصلاحات، دموکراسی و واژگان دیگر که جزء پرکاربردترین و پربسامدترین واژگان امروز دنیای سیاست‌اند، در ابتدا نیازمند شکل‌گیری فضای ذهنی مطلوب و مؤثرند. به این اعتبار باید اشاره کرد که نقش آموزش و شکل‌گیری بسترهای معرفتی لازم (نه‌تنها برای نخبگان سیاسی، بلکه برای آحاد جامعه)، اولین قدم برای پیشبرد تمامی اهداف و تحقق عینی آنهاست. این درحالی است که براساس واقعیت‌های جاری عرصه آموزش در ایران، می‌توانیم به‌خوبی درک کنیم که هیچ پیش‌زمینه مؤثری برای فهم، ادراک و شناخت صحیح حدود و ثغور مفهومی واژگانی همچون «وفاق» به چشم نمی‌خورد. حال در سایه تمام ابهاماتی که در فضای ذهنی (در خلأ نظام آموزشی کارآمد) به چشم می‌خورد، طبیعتا صورت‌بندی عملی وفاق، اصلاحات، دموکراسی، توسعه و... نتیجه‌ای آن‌گونه که مورد انتظار نخبگان سیاسی است، محقق نخواهد کرد.

همچنین باید اذعان کرد که تجربه سیاسی ازسرگذرانده بر ما عیان کرده که متأسفانه کاربست عملی بسیاری از واژگان خوش‌آهنگ و مثبت در فضای سیاست، بدون فهم واقعی آن، فقط به صورت دستوری در میدان سیاست خوش‌رقصی کرده و نخبگان سیاسی با بهره‌گیری از زبان رتوریک همواره در پی القای این موضوع به جامعه بوده‌اند که تحقق عینی واژگان، فقط به همان شکلی محقق خواهد شد که آنها درحال اجراسازی آن هستند.

این درحالی است که نه‌تنها شناخت درست و کاملی نسبت به درک مفهومی واژگان در عرصه سیاست و جامعه شکل نگرفته است، بلکه ساختارها نیز از توان و میل لازم برای همراهی برای تحقق آنها برخوردار نیستند. به همین منظور به نظر می‌رسد که در دولت جناب آقای پزشکیان، کلیدواژه وفاق، در سطحی‌ترین شکل و معنای آن (بهره‌گیری از ظرفیت تمامی نیروهای سیاسی در جناح‌های مختلف و بعضا با آرای شدیدا متضاد) فهم شده و به کار گرفته شده است. اما باید دانست که کاربست عملی وفاق به چیزی خیلی بیشتر از تسخیر صندلی‌ها و چیدمان پست‌های کلیدی با نفرات گوناگون از جریان‌های اصلاح‌طلب، اصولگرا و معتدلین نیازمند است. آنگاه که شما با جمعیتی از تسخیرکنندگان پست‌ها و صندلی‌های دولتی از جناح‌های مختلف به‌گونه‌ای مواجهید که حتی برای این افراد، چگونگی تحقق وفاق و الزامات سیاسی و اجتماعی آن مبهم است.

القصه آنکه چیدمان نیروهای سیاسی متعارض در کنار یکدیگر (بدون درک ضروریات تحقق آن) از بالا و یک‌شبه، نه‌تنها در میدان عمل واژگانی همچون «وفاق» را از صورت معنایی خود تهی می‌کند، بلکه زمینه‌ساز بهره‌گیری و تأمین منافع شخصی عده‌ای خواهد شد که از این حسن نیت دولت برای مقاصد خاص خود بهره خواهند برد. اما این تمام ماجرا نخواهد بود. شکست عینی برنامه‌های دولت، خاطره تلخی بر اذهان جمعی جامعه برجای خواهد گذاشت که پاک‌کردن آن به‌راحتی انجام نخواهد شد. به همین منظور شاید بهتر باشد در سپهر سیاسی آینده ایران‌زمین، نخبگان سیاسی به این درجه از شناخت نائل شوند که بیش از آنکه به دنبال تحقق مفاهیم خوش‌بیانی همچون توسعه، وفاق، اصلاحات، وحدت ملی و... به صورت دستوری و یک‌شبه باشند، به دنبال بسترسازی آموزشی علمی و عملی و شکل‌گیری ذهنیت لازم نسبت به این مفاهیم در بدنه اجتماعی جامعه و ساختار نظام قدرت باشند. آنگاه که چنین بسترسازی‌هایی انجام شد، می‌توان با پرداخت کمترین هزینه و بیشترین بهره ممکن، اهداف ترسیمی و تنظیمی را محقق کرد.

سومین مقصد

این روزها نمایشگاه «شکوه ایران باستان» در چین برپاست. پکن و شانگهای شهرهای قبلی محل برگزاری این نمایشگاه بودند و اکنون در سومین مقصد خود در چین، در اورومچی، مرکز منطقه خودمختار سین‌کیانگ چین، افتتاح شد. مسئولان برگزارکننده منتظرند تا با توجه به اشتراکات فرهنگی و تاریخی فراوان چین و ایران، از این نمایشگاه استقبال شود.

۱۱ درصد

سال‌ها بود اصطلاحی با عنوان خصولتی در اقتصاد ایران مطرح بود. حالا اعلام شده است در واگذاری‌های انجام‌شده طبق اصل ۴۴، بخش خصوصی واقعی فقط ۱۱ درصد سهم داشته است. گزارش آماری ارائه‌شده سازمان خصوصی‌سازی به هیئت واگذاری نشان می‌دهد از مجموع کل خصوصی‌سازی‌های انجام‌شده، ۸۹ درصد واگذاری‌ها مربوط به نهادهای غیردولتی و خصولتی است.

۲۸ میلیون دلار

کفش‌هایی که جودی ۱۶ساله در سال ۱۹۳۹ در فیلم «جادوگر شهر اُز» با آن ایفای نقش کرده بود، به قیمت ۲۸ میلیون دلار فروخته شد. این یکی از چهار کفشی بود که ۸۵ سال پیش بازیگر نقش دوروتی پوشیده بود. این بالاترین قیمتی است که تاکنون در حراج برای یک یادگاری سینمایی پرداخت شده است. قیمت پایه برای آن سه میلیون دلار تعیین شده بود. این کفش‌ها یک بار از موزه مینه‌سوتا به سرقت رفته بود.

روزها

روز جهانی حقوق بشر و آموزش

محمدرضانیک‌نژاد
آموزگار

در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و دو سال بعد، ۱۰ دسامبر، به شکل رسمی به عنوان «روز جهانی حقوق بشر» برگزیده شد. هر سال و هم‌زمان با این روز، برنامه‌های گوناگونی از سوی سازمان‌های جهانی برگزار می‌شود و به اهمیت این روز، بر تلاش در راستای افزایش آگاهی‌ها درباره حقوق بشر، کوشش برای آشناکردن شهروندان با حقوق انسانی خود، راه‌های رویارویی با نقض‌کنندگان این حقوق و... پرداخته می‌شود. همچنین هر سال در روزهای منتهی به روز جهانی حقوق بشر، تم یا شعاری تعیین می‌شود تا با تأکید بر آن، همگان بر اهمیت و تأثیرگذاری حقوق‌بشر توجه کنند.

شعار امسال (۲۰۲۴) روز جهانی حقوق بشر «Our rights, our future, right now» است. در توضیح این شعار آمده است: «حقوق بشر به عنوان یک نیروی پیشگیرانه، حفاظت‌کننده و تحول‌آفرین در راستای نیکی و خیر، نقش بی‌مانندی دارد و می‌تواند مردم و جامعه‌ها را برای ساختن آینده بهتر توانمند کند. شعار امسال یعنی «حقوق ما، هم‌اکنون و آینده ما» نشان می‌دهد که چگونه حقوق بشر در همه‌جا و هر روز بر مردم اثر می‌گذارد. حقوق بشر تأثیر مثبت قابل حسی دارد و راه‌حل‌های عملی ارائه می‌دهد. با پذیرفتن قدرت کامل حقوق بشر به عنوان راهی به سوی آینده‌ای که می‌خواهیم، جهان می‌تواند صلح‌آمیزتر و برابرتر شود». اعلامیه روز جهانی حقوق بشر گستره بزرگی از حقوق انسانی را مشخص می‌کند که همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن دیدگاه، ملیت، جنسیت، دین یا هر موقعیت دیگری از آنها برخوردارند. برای نمونه هرکس حق دارد از حقوقی مانند حق زندگی، حق کار، حق آموزش و همچنین آزادی‌هایی مانند آزادی از بردگی، آزادی بیان و... برخوردار باشد.

آموزش افزون بر اینکه خود یکی از حقوق بنیادین مطرح‌شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر است، می‌تواند بنیان استواری باشد برای نهادینه‌کردن کلیت این حقوق در جامعه‌های انسانی. بر کسی پوشیده نیست که آموزش‌های پایه، چه آنهایی که در خانه و خانواده پا می‌گیرند و چه بخش‌هایی که به شکل رسمی و در دبستان انجام می‌گیرند، می‌توانند مبنایی باشند برای آشنایی نوآموزان با حقوق فردی و اجتماعی خود. ازاین‌رو است که در دهه‌های گذشته در برخی از کشورهای جهان، اعلامیه جهانی حقوق بشر و آموزش آن وارد درونمایه‌های آموزشی شده و ساعت‌های آموزشی ویژه‌ای برای پرداختن به این حقوق در نظر گرفته و می‌گیرند. گرچه ایران همچنان از شمار کشورهایی است که به آموزش حقوق بشر بی‌اعتناست و حتی در سطوح میانی و بالای مدیریت به آن بدگمان، اما آموزش حقوق بشر به جوانان مهم است. داشتن آگاهی از حقوق و قانون‌هایی که از همه ما محافظت می‌کند، مهارت‌هایی به دانش‌آموزان می‌دهد که برای دفاع از خود و استفاده در زندگی روزمره‌شان به آن نیاز دارند. افزون بر این، به آنها کمک می‌کند تا درک کنند که چگونه باید با آنها رفتار شود و چگونه با دیگران رفتار کنند. آموزش حقوق بشر به دانش‌آموزان، آنها را توانا می‌کند تا بیرون از کلاس، در خانه و حتی در جامعه، چنین قانون‌هایی را به دیگران نیز یاد دهند. این روند می‌تواند به ایجاد خانه، مدرسه و جامعه سالم کمک کند و دست‌کم در جامعه‌های کودکانه و میان جوانان مایه کاهش قلدری و دیگر رفتارهای منفی یا ناخواسته شود.

همچنان که اشاره شد، ساختار آموزشی کشور به دلایل گوناگون تاکنون زیر بار آموزش حقوق بشر نرفته و نشانه‌ای هم دیده نمی‌شود که قصد تغییر رویه داشته باشد! ازاین‌رو فقط می‌توان امیدوار بود که عاملیت آموزگاران بتواند در این زمینه و به شکل حداقلی، اندکی از این گره را بگشاید. گرچه شوربختانه اندک همکارانی هستند که خود با چنین مفاهیمی آشنا باشند، اما هستند کسانی که در این زمینه دغدغه‌مند بوده و می‌توان به تلاش‌های چنین افرادی دلخوش بود. امیدواریم هرچه زودتر آموزش کشور ما نیز آموزش حقوق بشر را در ساختار خود بگنجاند.